

این مقاله سعی دارد نشان دهد که مفهوم کنایه در حوزه بیان یا کنایه در فرهنگ‌های لغت تفاوت دارد. کنایه در فرهنگ‌های لغت نیز هست اما کنایه کار رفته و شامل مجاز و استعاره نیز هست؛ بنابراین، فرهنگ‌ها منبع معتبری برای تحقیق در علم بیان به مفهوم خاص خود به کار رفته است؛ دربارۀ کنایه نیستند و ارزش بیانی ندارند. دربارۀ کنایه نیستند و ارزش بیانی ندارند. تشبیه. مجاز، استعاره، تشبیه.

در فرهنگ‌ها کنایه با لغت

علی رزاقی‌شانی
کارشناس ارشد زبان
و ادب فارسی

را کنایه نامیده‌اند؛ دلیل آن شاید این باشد که فرهنگ لغت‌نویسان مانند قدما به کنایه به مفهوم کلی آن- که شامل مجاز و استعاره هم می‌شد- نگاه می‌کرده‌اند.

بعضی از فرهنگ‌نویسان، با این که می‌دانستند بین کنایه با مجاز و استعاره تفاوت اساسی وجود دارد اما در فرهنگ‌های خود، کنایه را به جای مجاز و استعاره به کار برده‌اند و مرز بین کنایه و مجاز و استعاره را حفظ نکرده‌اند.

محمد معین در فرهنگ خود ذیل کنایه می‌نویسد: «فرهنگ‌نویسان کنایه را در مورد «مجاز» (هر کلمه‌ای که در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود) به طور عموم به کار برند».

(معین، ۱۳۷۱: ذیل کنایه)
با وجود آگاهی معین از این امر، او با تسامح با این مسئله برخورد کرده و استعاره‌ها و مجازها را کنایه نامیده است.

دلایل تسامح فرهنگ‌نویسان

۱. بحث کنایه در کتب بلاغی قدیم بحث مستقلی نبوده و به صورت کلی مطرح شده است و در عرف عام، استعاره، تشبیه و هر مجازی را کنایه نامیدند. (نک، شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۹)
۲. هدف از مراجعه به فرهنگ‌های لغت، آموختن مباحث بیانی نیست بلکه هدف، فهم و دانستن معنی و مفهوم واژه یا واژه‌هاست.
۳. شناخت مجاز، مستلزم استعمال آن در جمله (Context) است و فرهنگ‌های لغت به این منظور نوشته نشده‌اند. برای نمونه، واژه‌های «زال گوزپشت»، «زرین صدف»، «سلطان فلک»، «طوطی صحرا»، «لعل»، «ترگس»، «نعل شام» و... در

کنایه در فرهنگ‌های لغت

بر آن بودم که فرهنگی بجویم که آن مه رو نهد رویی به رویم (مولوی)

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح ادبی سخنی است که دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند. مراد گوینده، معنی مجازی است اما معنی حقیقی نیز قابل رد کردن نیست.

کنایه در فرهنگ‌های لغت با کنایه در کتاب‌های بیان با هم تفاوت دارند. در فرهنگ‌های لغت، کنایه به طور عام مورد بحث قرار گرفته است و مجاز و استعاره را هم شامل می‌شود اما در کتاب‌های بیان به طور خاص مورد نظر است؛ یعنی، شامل مجاز و استعاره نمی‌شود.

علامه همایی می‌نویسد:

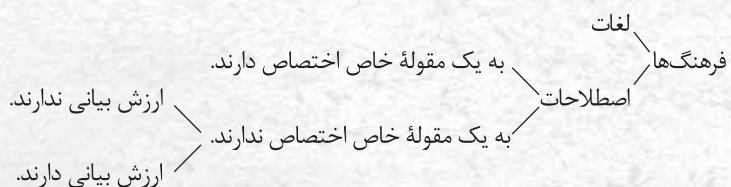
«در قدیم، اصطلاح کنایه را به مفهوم کلی به کار می‌بردند که شامل مجاز و استعاره نیز می‌شد؛ یعنی، آن را اصطلاح مخصوصی در مقابل مجاز و استعاره نمی‌شمردند».

(همایی، ۱۳۷۰: ۲۵۷)

خسرو فرشیدورد درباره کنایه در فرهنگ‌های لغت می‌نویسد: «کنایه در فرهنگ‌ها گاهی به معنی کلی‌تری نیز به کار می‌رود که شامل مجاز و استعاره هم می‌شود؛ مثلاً می‌گویند «ترگس کنایه از چشم است»، «لعل کنایه از لب است»؛ در حالی که اینها استعاره‌اند و کنایه در این جا به معنی استعاره است». (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۶۴۹/۲)

فرهنگ لغت‌نویسان فارسی، معمولاً مجازها و استعاره‌ها

واژه/ فرهنگ لغت	برهان قاطع	آندراج	لغت نامه	معین	در اصل استعاره از
زال گوژپشت	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	آسمان، فلک
زرین صدف	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	خورشید
سلطان فلک	کنایه	—	کنایه	کنایه	آفتاب
طوطی صحرا	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	سبزه
لعل	کنایه	—	کنایه	کنایه	لب محبوب
نرگس	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	چشم محبوب
نعل شام	کنایه	—	کنایه	کنایه	هلال ماه



چند فرهنگ فارسی مورد بررسی قرار گرفت. همه این واژه‌ها را فرهنگ‌ها کنایه نامیده‌اند؛ در حالی که آن‌ها در اصل استعاره‌اند. موارد یاد شده، در نمودار زیر نشان داده شده‌اند.

تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها

برخی از کتاب‌ها جامع همه واژگان و ترکیبات گنجینه زبان هستند و فرهنگ نامیده می‌شوند؛ مثل لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین. برخی دیگر از کتاب‌ها، براساس جنبه مشخصی از یک زبان و در زمینه خاصی تنظیم و تهیه شده‌اند و «فرهنگ‌واره» (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۲۰) نامیده می‌شوند؛ چون همه لغات و ترکیبات را دربردارند.

اقسام فرهنگ‌ها از دیدگاه علم بیان

الف) فرهنگ‌هایی که دربردارنده اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات عمومی هستند؛ مثل فرهنگ‌نامه شعری تألیف عقیقی؛ (ب) فرهنگ‌هایی که به یک مقوله خاص اختصاص دارند؛ مثل فرهنگ اشعار صائب تألیف گلچین معانی. از لحاظ ارزش بیانی نیز فرهنگ‌ها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. فرهنگ‌هایی که از نظر علم بیان مورد تطابق و اسنادند و به عبارت دیگر، ارزش بیانی دارند؛ مثل فرهنگ‌نامه کنایه. تألیف منصور میرزانیانیا.
۲. فرهنگ‌هایی که ارزش بیانی ندارند؛ مثل فرهنگ کنایات تألیف منصور میرزانیانیا. (نمودار)

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی از بحث، درباره کنایه در فرهنگ‌های لغت، می‌توان گفت:

۱. کنایه در فرهنگ‌های لغت با کنایه در علم بیان تفاوت دارد؛ بدین معنی که کنایه در فرهنگ‌های لغت در مفهوم عام به کار می‌رود و شامل مجاز و استعاره می‌شود اما کنایه در علم بیان در مفهوم خاص مورد نظر است.
۲. فرهنگ‌های لغت معتبری برای معانی کنایه و تشخیص کنایه از دیگر مباحث بلاغی نیست.
۳. کنایه در فرهنگ‌های لغت ارزش آموزشی و بیانی ندارد.

منابع

۱. ثروت، منصور؛ فرهنگ کنایات، چ ۲، تهران، سخن، ۱۳۷۵.
۲. رضا انزلی‌نژاد، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، چ ۱، تهران، سخن، ۱۳۳۷.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۴. ستوده، غلامرضا؛ مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چ ۴، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، چ ۲، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، ۱۳۶۲.
۶. شمیسا، سیروس، بیان، چ ۲، تهران، میترا، ۱۳۸۶.
۷. فرشیدورد، خسرو؛ درباره ادبیات و نقد ادبی، چ ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۸. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چ ۸، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۹. میرزانیانیا، منصور؛ فرهنگ‌نامه کنایه، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۰. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ ۷، تهران، هما، ۱۳۷۰.